



پلیس خوب یا پلیس بد؟ مسئله این است



محسن صالحی خواه

گزارشگر هم میهن

هر زمان که موعد مذاکرات هسته‌ای می‌رسد، بعضی اصطلاحات و تئوری‌ها طرفدار پیدا می‌کنند و البته نوعی مسابقه نیز برای به کار بردن آن‌ها به وجود می‌آید. چماق و هویج، بازدارندگی هسته‌ای، راستی آزمایی، اعتمادسازی، دست برتر و گاهی نیز پلیس خوب و بد، موارد ابتدایی زیاد استفاده شدند اما پلیس خوب و پلیس بد کمتر دست‌خورده شده است. این تئوری برای عموم مردم آشنا تر است. چون در بسیاری از فیلم‌های پلیسی به‌خصوص فیلم‌های هالیوودی آن را دیده‌اند و برخی نیز تجربه‌اش کردند. ابتدا یک پلیس بد وارد می‌شود و متهم را حسابی تحت فشار می‌گذارد. بعد پلیس مهربان می‌آید و در همان فضایی که برای متهم ایجاد شده، از در دیگری وارد می‌شود و در نهایت می‌تواند آنچه می‌خواهد را به دست بیاورد.

اخیراً این موضوع در فضای سیاسی کشور شنیده می‌شود که در جریان مذاکرات فعلی، بازی پلیس خوب و پلیس بد جریان دارد. به‌طور مشخص، محمدباقر قالیباف رئیس مجلس روز ۹ اردیبهشت در نقطه پیش از دستور خود گفت: «نخست‌وزیر جنایتکار رژیم صهیونیستی تلاش می‌کند تا به خیال خود مذاکرات در جریان را بر هم زند و به نظر می‌رسد حنای او دیگر برای سیاستمداران جهان و حتی دوستان این رژیم رنگی ندارد.» او در بخش دیگری گفت: «ما این مواضع را صرفاً لفاظی کیم‌ارزش برای تأثیرگذاری بر روند مذاکرات غیرمستقیم بین ایران و آمریکا می‌دانیم و آن را جدی نمی‌گیریم، اما نسبت به یک مسئله تردید نداریم که اگر روزی حتی در صدی از این لفاظی‌ها هم جنبه عملی پیدا کند، رژیم صهیونی بدون اجازه‌ی آمریکا دست به هیچ ماجراجویی و حماقتی نمی‌زند. بنابراین برای اینکه دشمن دچار خطای محاسباتی نشود روشن اعلام می‌کنیم که مردم ایران فریب بازی قدیمی پلیس خوب و پلیس بد را نمی‌خورند و همانطور که قبلاً نیز تصریح کرده‌ایم هر تعرضی به کشور عزیزمان ایران، به معنی آتش زدن بشکه باروت است که کل منطقه را منفجر خواهد کرد و همه پایگاه‌های آمریکا در کشورهای منطقه را در معرض پاسخ ایران قرار خواهد داد و این کشورها نیز هزینه ماجراجویی رژیم صهیونیستی را خواهند داد.»

برداشت من این است که آقای رئیس مجلس، اسرائیل را پلیس بد و آمریکا را پلیس خوب فرض می‌کند. علاوه بر این، چند وقت پیش کیهان نوشت که ترامپ نقش پلیس بد را به اروپا سپرده است. حال اینکه جریان مذکور در دور پیشین مذاکرات هسته‌ای معتقد بود که اروپا پلیس خوب است. شاید در دوره مذاکرات برجام می‌شد این تحلیل را ارائه کرد. چون علاوه بر این که اجماع جهانی علیه ایران وجود داشت و کشور تحت تحریم‌های شورای امنیت بود، طرف غربی تقریباً به‌طور کامل در یک تیم قرار داشتند. اما امروز و در جریان مذاکرات فعلی میان ایران و آمریکا، غرب بیش از پیش درگیر مشکلات درونی خود است. اولین اصل برای بازی پلیس خوب و پلیس بد این است که دو طرف در یک تیم باشند و متهم نیز این بازی را باور کند. در حال حاضر، در خصوص آمریکا و اروپا، بودن در یک تیم وجود ندارد و جمهوری اسلامی نیز این بازی را باور نمی‌کند. یک پله بالاتر، اروپایی‌ها به‌خاطر بی‌رونی بودن از بازی در تلاش هستند که روند شکل گرفته را تخریب کنند. علاوه بر اینکه درگیری‌های خود را با آمریکای ترامپ به‌خصوص در موضوع تعرفه‌های تجاری و مسئله امنیتی ناشی از بحران روسیه - اوکراین دارند، پلیس خوب و پلیس بد بازی را شکل می‌دهند که به نتیجه مطلوب خود برسند و منافع‌شان را از نتیجه بردارند. اما مسیری که اروپا در پیش گرفته، بیشتر شبیه از بین بردن نتیجه است.

در مورد اسرائیل نیز تحلیل شرایط متفاوت است اما همین فضا را به‌طور کلی باید در نظر گرفت. اگر همان برداشت از صحبت‌های رئیس مجلس را معیار بگیریم، باز هم جمهوری اسلامی از شر پلیس بد (اسرائیل) به پلیس خوب (ایالات متحده) پناه نمی‌برد. بلکه در حال حاضر به نظر می‌رسد جمهوری اسلامی در تلاش است که جلوی بروز بحران را بگیرد و در این مسیر محتاطانه قدم بردارد. در قالب این بازی، آمریکا و اسرائیل هر دو پلیس بد هستند. یکی فعلاً ابزار ترور و خرابکاری را به سبک دوران پیشین در دست دارد و دیگری تحریم، فشار حداکثری و چراغ سبز برای اقدامات بحران‌زایی که منطقه را درگیر جنگ خواهد کرد. دستگاه دیپلماسی تلاش می‌کند که در چنین وضعیتی، کشور را از وسط میدان مین با تمام پلیس‌های بدی که با آن‌ها طرف است، عبور دهد. اروپا، اسرائیل و آمریکا هر سه پلیس‌ها بد هستند.

می‌دانست و معتقد بود وقتی می‌خواهید فردی را راهنمایی کنید، باید احساس کند دلسوزانه دارید حرف می‌زنید.»

مسائل داخلی را فدای منطقه نکرديم

مشاور رهبری با بیان اینکه حادثه‌ای در منطقه در حال رخ دادن است، تأکید کرد: «این جریان است که وجود دارد، مشابه آنچه در روسیه و اوکراین و جاهای دیگر می‌بینیم. در منطقه ما نیز این جریان وجود دارد، مانند مسئله فلسطین. قبل از شکل‌گیری جمهوری اسلامی، مشکل فلسطین وجود داشت و هنوز هم هست. بخشی از این مشکلات به این دلیل است که ما نتوانسته‌ایم این مسئله را حل کنیم. بنابراین، هر چه هم که تلاش کنیم این مشکل را پاک کنیم، سهم ما در این قضیه آنقدر نیست که تصور می‌کنید. مسائل داخلی را فدای این مسائل نکرده‌ایم.» لاریجانی در پاسخ به‌سوالی درباره شکل گرفتن نیروهای مقاومت در منطقه، افزود: «حزب الله در لبنان چه زمانی به وجود آمد؟ آیا ما آن را به وجود آورده‌ایم؟ آیا این‌طور نبود که وقتی اسرائیل بیروت را گرفت، حزب الله شکل گرفت. در واقع، نیروها احساس کردند که کشورشان اشغال شده و بنابراین تصمیم به تشکیل گروه‌هایی گرفتند، زیرا ارتش لبنان نتوانست از خود دفاع کند. مقاومت لبنان در برابر تجاوز اسرائیل آغاز شد. در عراق هم همین‌طور است. شما می‌گویید که ما مقاومت را به وجود آوردیم؟ ما کمک کردیم، اما ما آن را به وجود نیاوردیم. شما عراق را اشغال کردید و با مردم برخورد تند و رفتار خشن نشان دادید و کشتار انجام دادید. بعد از آن، آیت الله سیستانی گفت که این‌ها را جمع کنید. وقتی ایالات متحده به عراق آمد، مردم مقاومت کردند. سؤال من این است که کدام کشوری از اشغال خوشش می‌آید؟ این سؤال مهمی است. وقتی کشوری اشغال می‌شود، به شما دموکراسی نمی‌دهند. در دیگر نقاط نیز همین‌طور است. اکنون هم در سوریه، هر قسمتی از کشور اشغال شده، اگر مردم مقاومت کنند، گردن ما می‌اندازند. در حالی که این موضوع به ما ربطی ندارد. وقتی دشمنان این قدر فشار می‌آورند جمهوری اسلامی باید به نوعی از خود دفاع کند، باید توجه داشته باشید که ما نمی‌توانیم فقط در اینجا صلوات بفرستیم. جمهوری اسلامی فلج نیست و این نکته مهمی است که باید مدنظر قرار گیرد.»

دنبال سلاح هسته‌ای نیستیم

لاریجانی در بخش دیگری از سخنان خود با تأکید بر اینکه ما دنبال این نیستیم که به سمت سلاح هسته‌ای برویم، گفت: «اینکه دیگران از این وضعیت سوءاستفاده می‌کنند، واقعیتی است که باید با چشم‌بینا به آن نگاه کنیم. البته تصمیم‌گیری در این زمینه بر عهده شورای عالی امنیت ملی و رهبری است و من نظر شخصی خودم را بیان می‌کنم. وقتی کشوری قدرتمند است انتقادها هم به آن زیاد می‌شود بنابراین تحمل این را داشته باشید که انتقاد به جمهوری اسلامی افزایش یابد. باید توجه داشته باشید که این کوچک کردن ایران نیست. سؤال این است که چرا این کشورها ما را تحریک می‌کنند، برای اینکه ما دشمنانی داریم که به روشنی تعریف شده‌اند.»

هیچ ماده منفجره و خطرناکی در این بندر وجود ندارد و نامه‌های ارسالی به صاحبان کالا صرفاً برای تسریع در خروج کالاهای حساس به دما در فصول گرم است. او با اشاره به دستورالعمل‌های بین‌المللی حمل‌دریایی کالاهای خطرناک (IMDG Code) گفت: «کالاهای خطرناک به ۹ دسته تقسیم می‌شوند که مواد منفجره (کلاس ۱) و مواد رادیواکتیو (کلاس ۷) طبق این دستورالعمل‌ها در هیچ بندری نگهداری نمی‌شوند و به جرات می‌گویم هیچ ماده منفجره‌ای در بندر شهید رجایی وجود ندارد. کالاهای خطرناک موجود در ترمینال بندر عمدتاً شامل گازها و مایعات قابل اشتعال، مانند سوخت‌های مایع و گازی و مواد اولیه شرکت‌های شوینده هستند که به گرم حساسند و در صورت افزایش دما ممکن است دچار خودسوزی شوند، نه انفجار، همچنین سموم کشاورزی، مواد خورنده مثل اسیدها و بازها و مواد ضد خوردندگی از دیگر اقلام موجودند که در صنایع شیمیایی کاربرد دارند.» به گفته فرجی؛ «بندر شهید رجایی از بیش از ۲۰ سال پیش رویه‌ای پیشگیرانه برای مدیریت کالاهای خطرناک اتخاذ کرده و از اول اردیبهشت هر سال، با شروع گرما، نامه‌هایی به کشتیرانی‌ها و صاحبان کالا ارسال می‌شود تا کالاهای حساس به دما سریع‌تر از بندر خارج شوند. ما در فصل گرما بیش از ۱۰۰ نامه ارسال می‌کنیم برای مثال، از ۸۳ کانتینر ترک‌شده در یک نامه، ۹۰ درصد آن‌ها مواد اولیه شرکت‌های شوینده هستند که حساس به دما بوده و با شرایط ویژه نگهداری می‌شوند. بندر از امکانات پیشرفته‌ای برای نگهداری این کالاهای پرخطر دارد و حدود ۸۳ کانتینر حساس به دما در سوله‌ای ۷۰۰۰ متری با دمای کنترل‌شده نگهداری می‌شوند که ۱۵ تا ۲۰ درجه خنک‌تر از محیط آزاد است؛ برخی کانتینرهای پریسک‌نیز به کانتینرهای یخچال‌دار منتقل شده و دمای آن‌ها کنترل می‌شود. نیروهای متخصص مواد شیمیایی، آتش‌نشانیان زنده و تجهیزات پیشرفته، مانند دماسنج‌های لیزری، به‌صورت مداوم کانتینرها را بررسی می‌کنند؛ در صورت هرگونه تغییر غیرعادی، اقدامات فوری مانند خنک‌سازی یا فن یا گازهای بی‌اثر انجام می‌شود.» معاون عملیات و ترمینال کالای خطرناک بندر شهید رجایی با ابراز تأسف از سوءاستفاده رسانه‌های معاند تأکید کرد: «این ادعاها که بندر پر از مواد منفجره است، کاملاً کذب و شرم‌آور است؛ ما بر اساس اسناد صحیح می‌کنیم و نگهداری مواد منفجره در بندر ممنوع است.»

کمیت پیگیری بیمه‌ای در بندر عباس

مجید تقی‌لو، معاون انکابی بیمه مرکزی نیز از تشکیل کمیته جدید برای پیگیری بیمه‌ای بندر شهید رجایی خبر داده و گفت: «در رابطه با حادثه اخیر بندر شهید رجایی، در بخش فوتی‌ها کسانی که شناسایی شده‌اند، پرداخت خسارت آنها از محل بیمه‌نامه‌های کارفرما پرداخت شده است. ضمن آنکه قرار است طی یک سفر مجدد به بندرعباس و برگزاری یک جلسه در استانداری هرمزگان، هماهنگی‌های لازم برای تسهیل خدمات بیمه‌ای صورت بگیرد. قرار است یک کمیته جدید متشکل از بیمه مرکزی و سندیکای بیمه‌گران تشکیل شود تا سندیکای بیمه‌گران به عنوان بازوی اجرایی و بیمه مرکزی به عنوان بازوی حاکمیتی، یک سازماندهی استاندارد برای تسهیل اقدامات بیمه در بندر شهید رجایی را انجام دهند و در تلاش هستیم که در شرایط فعلی از انجام کارهای انفرادی و هیجانی جلوگیری شود تا بتوانیم در صنعت بیمه به‌عنوان یک کل جامع و هماهنگ، تعهدات بیمه‌ای و خدمات بیمه‌ای مربوط به این حادثه را در زمان بهتری و با کاهش فرایندهای بوروکراتیک، انجام دهیم.»

دنیای شیرینِ نکبتی

درباره مجموعه عکسی از خوابگاه دانشجویی

امیر جدیدی

عکاس و روزنامه‌نگار

پودر لباسشویی و شامپوی سر، فیلتر سیگار و لیوان چای. حوله حمام و صندلی چرمی. کابینت و کتاب. ظرف غذا و کپک، یک جای کیسه‌ای و ده مرد جنگی، شب و بیداری، خر و پف هم‌اتاقی. یخچال و گوجه. شستن دست و سینک ظرفشویی، تن ماهی و لوبیا، شیشه نوشابه و آب خالی، قوری چینی و شعله مستقیم آتش، لیدوکائین و درد دندان، جوراب و سوراخ، فندک و بی‌گازی، سیگار بهمن و دانشجو، این‌ها و خیلی از این بدتر که نوشتم شرح زندگی در خوابگاه دانشجویی است. قصه اتاق‌هایی که در هر کدام که باز کنی می‌توانی از دلش هزار هزار قصه بنویسی. داستان جوان‌های تازه از تخم‌بیرون آمده‌ای که از نظم حاکم بر خانه به ستوه آمده‌اند، بچه‌هایی که با یک دنیا آرزو آمده‌اند که فردایشان، روشن‌تر از دیروزشان شود. حکایت تکراری بیشتر جوان‌های این ملک همین است. با هزار چهدا، از سنگر کنکور می‌گذرند و با احساس ظفری و وصف‌ناشدنی به‌سوی آینده‌ای روشن خیز بر می‌دارند. آمده‌اند که فلک را سقف بشکافند و طرحی نو دراندازند. اول ماجرا همه چیز قشنگ و تازه و خوشرنگ است. همه‌شان الیسی در سرزمین عجایب می‌شوند. شروع به کشف دنیای شگفت‌انگیز تازه‌شان می‌کنند. برای پیشرفت برنامه‌ریزی می‌کنند. در خیال درس‌های دانشگاه را در همان روزهای اول می‌خوانند و شروع به مطالعه آزاد می‌کنند. در رویا صبح‌ها به کلاس می‌روند، بعد از ظهر کاری دست می‌گیرند و خرج‌شان را از خانواده سوا می‌کنند. در آرزو خیلی کارها می‌کنند و در عمل درست چند روز بعد از خوابگاه، لشکر مشکلات به سراغ‌شان می‌آید. یکی همان روزهای اول عاشق می‌شود. دومی پولش تم می‌کشد. سومی خوابش به هم می‌ریزد. چهارمی درس توی کله‌اش نمی‌رود. پنجمی دنبال کار می‌رود... کم کم مشکلات هم‌اتاقی مشکل خودش می‌شود و دنیای نکبت شیرینی می‌شود که بیا و ببین. دنیایی که تا آخر عمر خاطرش از ذهن پاک نمی‌شود که نمی‌شود که نمی‌شود.

